

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن په کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

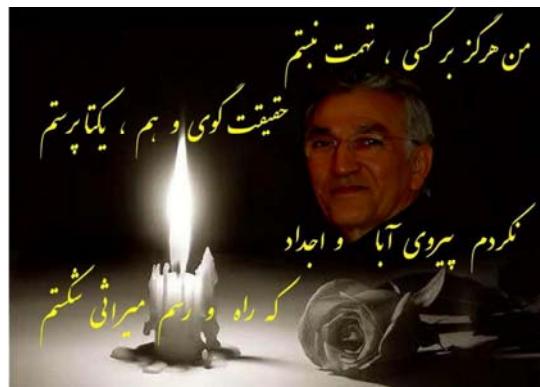
www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ایرانی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۲۶ جون ۱۴۰۸



دار و ندار

عطر تنت نموده پُر، خانه انتظارِ من
باد فدای مقدمت، صبرِ من و قرارِ من
دانه و عده های تو، دام شده قدم قدم...
بندِ طلسم چهرتُو، میکندا، شکارِ من
خَرمنی گیسوانِ تو، حلقه مرا به پایِ دل
میکشدم ز شش جهت، دستِ تو اختیارِ من
شبنمِ صبح آرزو، بیخته یادِ وصلیِ تو
عنبر و مشکِ خاطرت، میوزدا نظرِ من
پنجه نقدِ شعرِ من، روی حریر پیکرت
می چردا چمن چمن، باعث ترا بهارِ من
غنجه به غنچه گل به گل، سبزه به سبزه ای خوشان
قطره به قطره تا چکد، گوهرِ آبدارِ من
شعله به شعله سوزد، دارِ من و ندارِ من
ناز تو شد نیازِ من، نور تو شد چراغِ من
از همگان بریده ام، دامن دل دریده ام
یوسفِ غم خریده ام، عشق شده شعاعِ من
در همه جا حکایت است، نقطه به نقطه کارِ من
"نعمت" همین کفایت است، ورنه زما شکایت است

دار و ندار

عطرست نموده پر ، خانه انتظارِم

باد فدای مقدمت ، صبر من و قرار من

دانه و عده های تو ، دام شده قدم قدم
بندِ ظلمِ چهره تو ، میکند اشمار من

خسمن کیوانِ تو ، حقه مرا به پای دل
میکندم ز شبحت ، دستِ تو اختیار من

شبینِ صبح آرزو ، بینته یادِ وصلِ تو
غیر و ملک خاطرت ، میوزدا نظرِ من

پنجه نقدِ شهر من ، روی حریر پیکرت
می پرسدا چمن چمن ، بلغِ ترا بحصارِ من

غنج به غنج کل بگل ، سبزه به سبزه ای خوش
قطره به قطره تا چکد ، گوهر آبدار من

نما تو شد نیاز من ، نور تو شد چراغِ من
شعله به شعله سوزدا ، دار من و ندار من

یوسفِ عنصِ خنیده ام ، دامن دل دیده ام
از همگان بریده ام ، عشق شده شعارِ من

«نعمت» همین کنایت ، ورنہ ناشایت

در حسنه جا حکایت ، نقطه به نقطه کارِ من